

آموزه‌های اخلاقی

در سیره

پیامبر اعظم ﷺ

اشاره

حضرت ﷺ را برای خوانندگان محترم فراهم نماید به این امید که در معاشرت‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی از آن‌ها بهره بگیریم.

پیامبر اعظم ﷺ اسوه حسنه‌ای است که تمام صفات حمیده و فضایل اخلاقی در وجود مقدسش، بی‌کم و کاست جمع شده است؛ زیرا آن بزرگوار دست‌پرورده پروردگار و گل سرسبد جهان هستی و کامل‌ترین انسان‌های روی زمین است که با آغاز رسالت جدید و کاملش، نشاطی روح‌افزا بر عالم هستی دمیده شد و بهترین خصلت‌های پسندیده اخلاقی به انسان‌های غرق در جهالت و گمراهی عطا گردید.

ملاطفت و مهربانی

یکی از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی حضرت رسول ﷺ، برخورد محبت‌آمیز با دیگران بود. آن بزرگوار با داشتن این خصلت ستودنی توانست طی ۲۳ سال رنج و تلاش، دل‌های بسیاری از مردم را شیفته خود کند و به صراط مستقیم هدایت نماید.

این نوشتار درصدد است تا زمینه آشنایی هرچه بیشتر با سیره اخلاقی آن

قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...»^۱

«به موجب رحمتی که خداوند به تو عنایت کرده بود، برای آنان نرم شدی که اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند.»

ابراز محبت و مهرورزی آن حضرت صلی الله علیه و آله نه تنها شامل دوستان و اهل ایمان می شد، بلکه مخالفین آن بزرگوار از اخلاق خوب و شفقت آمیز آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله بهره مند بودند و این، سبب جذب آنان به سوی اسلام می گردید.

در سال هشتم هجری که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با اقتدار و پیروزی کامل به شهر مکه وارد شد و آن را از دست کفار و مشرکان خارج نمود، طرفداران جبهه باطل به ویژه کسانی که در مدت بیست سال گذشته، بدترین ستم ها و جسارت ها و دشمنی ها را در حق آن حضرت صلی الله علیه و آله و یارانش کرده بودند، در هاله ای از رعب و وحشت گرفتار شدند و بعد از فتح مکه منتظر انتقام و عکس العمل متقابل پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

این نگرانی و اضطراب هنگامی به اوج خود رسید که اهل مکه از سعد بن عباده (پرچم دار پیامبر شنیدند که فریاد می زد: «امروز، روز جنگ و خونریزی و اسارت است»^۲).

هنگامی که این شعار به گوش رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، آن حضرت صلی الله علیه و آله ناراحت شد و دستور داد پرچم اسلام را از او گرفته و به دست حضرت علی رضی الله عنه بسپارند، سپس با سخنان آرام بخش و ملاحظت آمیز خود، دشمنان دیرینه خویش را آرامش داد. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «شما در مورد من چگونه می اندیشید؟» مشرکان گفتند: ما جز نیکی و محبت از تو انتظاری نداریم؛ اما تو را برادری بزرگوار و فرزند برادر بزرگوار خود می دانیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من آنچه را برادرم یوسف رضی الله عنه در مورد برادران ستمگر خود انجام داد، همان می کنم و همانند او می گویم: «... لا تغزيب عليك اليوم...»^۳: «امروز

۱. آل عمران: ۱۵۹.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۲۷۲.

۳. سوره یوسف، آیه ۹۲.

را به جای خود نصب کرد و شبانه از مکه خارج شد؛ اموری موجب شد که پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی رضی الله عنه را جانشین خود کند و پس از چند روز هجرت نماید. در رأس این امور، ادای امانت‌هایی بود که بعضی از مشرکان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند. ابن‌هشام در سیره خود می‌نویسد: «حضرت علی رضی الله عنه سه شبانه‌روز در مکه ماند تا امانت‌های مردم مکه را که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به صاحبانش برساند. پس از این‌که امانت‌ها را رد کرد، او نیز هجرت کرد»^۲.

آن حضرت صلی الله علیه و آله در مورد حفظ امانت و ادای آن فرمود: «کسی که به امانت، خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند، و با این حال بمیرد، بر دین اسلام نمرده است و خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که نسبت به او خشمگین است»^۳.

حضرت خدیجه رضی الله عنها هنگامی که

ملامت و سرزنشی بر شما نیست...».

هنگامی که آن رهبر مهربان، مردم هراسناک و نگران را آرام نمود، اضافه کرد که امروز روز نبرد و انتقام نیست، بلکه روز رحمت و محبت است و من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم. آن‌گاه جمله معروفش را فرمود: «اذهبوا فانتم العلقاء»^۱: به دنبال زندگی‌تان بروید که همه شما آزاد هستید».

تمامی آنان گویا دوباره متولد شدند؛ بنابراین نفس راحتی کشیدند و به غیر از افراد معدودی، همگی محبت و عشق رسول خدا صلی الله علیه و آله در اعماق وجودشان نفوذ کرد و مسلمان شدند.

راستی و امانت‌داری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راستی و حفظ امانت به قدری جدی و کوشا بود که به او «محمد امین» لقب داده بودند؛ به طوری که قبل از بعثت وقتی مشرکان او را می‌دیدند، می‌گفتند: «امین آمد». چنان‌که در ماجرای هجرت به مدینه، آن حضرت صلی الله علیه و آله در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین شرایط، حضرت علی رضی الله عنه

۱. بحارالانوار، مجلسی، ج ۲۱، ص ۱۳۲.

۲. سیره ابن‌هشام، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۱۷۱.

بر الاغ برهنه سوار می‌شد و شخص دیگری را نیز به همراه خود سوار می‌کرد. روزی متوجه شد که پرده‌ای بر در خانه‌اش آویخته شده که نقش و نگار و تصویر داشت. به یکی از همراهانش فرمود: «این پرده را از برابر چشمانم دور کن که هرگاه نگاهم به آن می‌افتد، به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم.»

زید بن حارث روایت کرده است که در یکی از روزها رسول خدا ﷺ روی حصیری خوابیده بود و نشانه‌های زبری حصیر بر بدن مبارکش اثر گذاشته بود. عیاشیه از روی دلسوزی به آن حضرت ﷺ عرضه داشت: یا رسول الله! پادشاهان ایران و روم از همه‌گونه نعمت دنیوی برخوردار هستند؛ ولی شما که رسول خدا و پیامبر الهی هستید، از همه چیز تهی دست می‌باشید. تا آن جا که روی حصیر استراحت می‌کنید و لباس ارزان قیمت می‌پوشید! حضرت ﷺ فرمود: «عایشه! چه خیال می‌کنی! هرگاه

پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می‌داد و شیفتگی خود را به آن وجود گرامی اعلام می‌نمود با تأکید بر امانت و صداقت آن بزرگوار چنین گفت: «إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَسِبْطِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ وَ حَسَنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ».

«به خاطر خویشاوندی‌ات و بزرگواری‌ات در میان قوم خودت و امانت‌داری و اخلاق نیک و راستگویی‌ات مایلیم با تو ازدواج کنم».

ساده‌زیستی

ساده‌زیستی از کردارهای ستوده‌ای است که موجب بسیاری از کمالات روحی در وجود انسان می‌باشد. از بارزترین فضایل نبی مکرم اسلام ﷺ در زندگی، زهد و ساده‌زیستی بود. حضرت علی ﷺ در تشریح سیره نبوی به این ویژگی آن حضرت ﷺ می‌پردازد و می‌فرماید:

«رسول گرامی اسلام ﷺ همواره بر زمین غذا می‌خورد و همانند دیگران می‌نشست و با دست خود کفشش را وصله می‌زد و لباس خود را می‌دوخت و

۱. همان، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۰.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۱.

ارزش‌های معنوی، ناپسند است.
 آری! پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نه تنها در
 زندگی ساده زیست، بلکه در هنگامه
 وفات هم فقیرانه به دیدار معبود شتافت.
 چنانچه ابن عباس می‌گوید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام وفات، زره
 مبارک را در برابر سی پیمانه جوکه
 برای برآوردن نیازهای تغذیه‌ای
 خانواده قرض گرفته بود، نزد مردی
 یهودی گرو نهاده بود»^۱.

عایشه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی
 از دنیا رفت که از خویش، دینار و درهم
 و گوسفند و شتری به جا نگذاشت^۲.

من بخواهم کوه‌ها طلا می‌شوند و با من به
 حرکت درمی‌آیند.

روزی جبرئیل بر من نازل شد و کلید
 خزینه و گنجینه‌های جهان را در اختیار من
 گذاشت اما من نپذیرفتم».

سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای
 این‌که این حقیقت را آشکارا به عایشه
 نشان دهد، به او فرمود: «ای عایشه!
 حصیر را بلند کن. او نیز چنین کرد و مقدار
 زیادی طلا را مشاهده نمود. سپس به
 عایشه فرمود: نگاه کن و طلاها را از
 نزدیک ببین! اما بدان که دنیا و تمام
 زیبایی‌های فریبنده و ظاهری آن از نظر
 خداوند متعال ارزش بال یک پشه را
 ندارد».

(حلیه الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج ۸، ص ۱۳۸).
 ۱. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل بن حسن
 طبرسی، ج ۱، ص ۶۵.

البته بهره‌گرفتن از دنیا برای آخرت،
 امری مذموم نیست، بلکه علاقه به دنیا و
 دوست‌داشتن آن در مقابل آخرت و